غرب علیه غرب

نگاهی به نهمین شماره ترجمان علوم انسانی

مجله خوان

سیدمحسن موسوی‌زاده| ترجمان علوم انسانی نشریه‌ای است که به گواه سایت آن نگاه منتقدانه‌ای به جریانِ غربی علوم انسانی دارد و می‌کوشد تا نشان دهد علوم انسانی در دنیا غیر از آنچه در دانشگاه‌ها و نشریات روشن‌فکری ایران منتشر شده است، زوایای دیگری نیز دارد. همین دغدغه باعث شده تا ترجمان علوم انسانی که هفته گذشته نهمین شماره‌اش منتشر شد، به سراغ افراد یا دیدگاه‌هایی برود که کمتر در ایران به آن‌ها توجه شده است یا اینکه اگر فردی در ایران آن دیدگاه‌ها را مطرح کرده، در محافل روشن‌فکری چندان مجالی به آن برای عرض‌اندام داده نشده است. در یکی از شماره‌های ترجمان فضای مجازی با بهره‌جویی از نگاه منتقدان غربی آن بررسی و کوشیده شده‌است تا نشان داده شود که چگونه فضای مجازی -که امروز به یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها مبدل شده- زندگی‌های زیادی را تباه کرده است. ترجمان علوم انسانی در تمامی شماره‌هایش به سراغ اندیشمندانی در غرب رفته است که منتقد دیدگاه حاکم هستند.

برای همین در لابه‌لای شماره‌هایش مقالاتی یافت می‌شود که پر از نیش‌وکنایه به لیبرالیسم و سرمایه‌داری هستند. این دیدگاه سبب شده‌است ترجمان علوم انسانی برای افرادی که به‌دنبال نگاه متفاوتی هستند، جذاب باشد و حتی اگر کم‌وبیش شایعاتی درباره وابستگی این نشریه به برخی نهادها شنیده باشند، بازهم از اشتیاق آن‌ها برای خواندن شماره‌های جدید این نشریه کم نشود.

نهمین شماره نشریه با پرونده‌ای درباره ترس منتشر شده است. به باور مسئولان آن، دنیای اطراف ما در سال‌های اخیر شاهد تغییر و تحولات فراوانی بوده و ترس به یکی از حالات روزمره و دائمی زمانه ما تبدیل شده است. این احساس مستقیما بر تصمیم‌های سیاسی و اجتماعی ما تأثیر می‌گذارد و دنیای اطرافمان را دگرگون می‌کند.

مارتا نوسبام، فیلسوف اخلاق، ۳ ماه پیش، کتابی منتشر کرد که به تأثیر بی‌واسطه ترس بر سیاست و جامعه می‌پرداخت. کتاب او با الهام از فضای انتخابات آمریکا نوشته شده است، اما می‌تواند برای هر جایی که افراد بترسند و تصمیمی اجتماعی بگیرند، صادق باشد. مهم‌ترین مطلب پرونده ترجمان نیز ترجمه کامل فصل دوم همین کتاب نوسبام و مصاحبه‌ای با اوست. کمتر از یک ماه پیش این استاد دانشگاه شیکاگو، به‌یُمن نوشتن همین کتاب، برنده جایزه فلسفی برگروئن شد. «چرا مغز برخی افراد از تَرسیدن لذت می‌برد»، «در جست‌وجوی ترس»، «وقتی شجاعت این‌همه خون ریخته است، چرا بزدل نباشیم» بخشی دیگر از مقالاتی است که در شماره نهم ترجمان علوم انسانی به پرونده ترس پرداخته است؛ مقالاتی که اگر همه آن‌ها را به‌مثابه پازلی در کنار یکدیگر قرار دهیم، به این نکته خواهیم رسید که امروز ترس به صنعتی بدل شده که همه ابعاد زندگی ما از آموزش تا ازدواج و رفتار با فرزندان و یکدیگر را دربرگرفته است و برنده نهایی این ترس، کارتل‌هایی اقتصادی هستند که از ایجاد هراس‌ها، میلیاردها دلار درآمد کسب می‌کنند.

در دیگر مقالات این نشریه نیز هرچند به‌ظاهر ارتباطی با ترس ندارد -مانند «خوشبختی هم حدی دارد»- همان خط منتقدانه نسبت به روح غالب حاکم بر علوم انسانی در غرب وجود دارد. ترجمان علوم‌انسانی نشریه‌ای است برای افرادی که دوست دارند به گونه دیگری بیندیشند، حتی اگر با نگاه شکاکانه به این نشریه نگاه می‌کنند.

آیا شعر فروغ، شعری زن‌محور است؟

یادداشت شفاهی

سهیلا دیزگلی*| ۱. اولین عنصری که در نگاه کلی به شعر فروغ به چشم می‌آید زنانگی شعر اوست. بااین‌حال برخلاف گمان برخی، آنچه فروغ را به سمت بیان زنانگی سوق داده زن بودن اوست و نه رویکرد فمینیستی‌اش. زن بودن چیزی است که در ناخودآگاه شعر او بروز کرده و او نیز همچون دیگر شاعران موفق تاریخ ادبیات مسیر و سیر تجربه و تحول را پشت سر گذاشته است، چه در محتوا و چه در فرم. چنان‌که در اشعار اولیه و کلاسیک او تا به مرحله شعر آزاد این روند قابل مشاهده است.

۲. غم نیز درونمایه اصلی شعرهای فروغ است، غمی که گویی با تولدش زاییده شده است، نمونه‌اش شعر «تولدی دیگر». اما اینکه غم، انزوا و تنهایی را مؤلفه شعر فروغ بدانیم هم نگاهی ساده‌انگارانه است. مؤلفه شعر فروغ به زعم من بیان نو و هماهنگ با نگاه شاعرانه و شخصی اوست که در حرکتی رو به جلو به شعرهای اجتماعی و سیاسی رسیده است. او تکاملی پذیرفتنی را از فضای شخصی خود به فضای اجتماعی درون خود پرورش داده است که ارتباطی به جنسیت شاعر ندارد و انسانیت شعر است که پیرامون شاعر حلقه می‌زند. همچنین مؤلفه برتر شعر فروغ را جنبه جامعه‌شناختی این شاعر می‌دانم و زنان نیز بخشی از این اجتماع زمان او هستند. وقتی که او از عناصر اجتماعی زمان خودش می‌گوید، مثلا در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، به‌راحتی می‌توان ناامیدی شاعر را از پیرامون خودش دید. آنجایی که از انسان‌ها به عنوان جنازه‌هایی صحبت می‌کند، جنازه‌های خوشبخت، جنازه‌های ملول، جنازه‌های ساکت متفکر، با اعتراض و فریاد او به زمانه خودش در قالب شعر روبه‌روییم.

۳. فروغ در وهله اول انسان است، انسانی که زن است، با غم‌های زنانه، زنی پیشرو که از زمان خود جلوتر است و می‌دانیم که در زندگی شخصی‌اش به دنبال تغییر شرایط بوده است. اما اینکه بگوییم او شاعر زنان است، درست نیست. او زنانه شعر می‌گوید، به واسطه اینکه به قول خودش زن است و این محکم‌ترین پاسخ است.

۴. فمینیستی خواندن اشعار او به خصوص اشعار اجتماعی‌اش به نظر نادرست می‌آید. اگر فمینیسم را فقط جنبه زنانگی در نظر بگیریم باز نیز به اشعار کلی‌تری از او می‌رسیم. او خود را نماینده زنان نمی‌داند. اگر شعرهایش همذات‌پنداری قوی در زنان بعد از خودش ایجاد کرده از قدرت بیان فوق‌العاده اوست نه از قالب‌گیری‌های فمینیستی رایج...

۵. قطعا شاعران موفق بر اشعار شاعران بعد از خود تأثیر گذاشته‌اند و این فارغ از جنسیت در مورد اشعار فروغ نیز اتفاق افتاده است، به‌ویژه که بیان فروغ زبانی نو در وادی هنر بوده است.

۶. به نظر من در شعر زنانه امروز گاهی نوعی شعارزدگی و فریاد از جنس دوم بودن موج می‌زند که اقتضای این زمان است و البته درست یا غلط بودن موضع‌گیری‌هایی از این دست امر دیگری است اما این چیزی نیست که در اشعار فروغ بوده است. زنانگی شعر او را در قدرت شاعری او نیز می‌توان جست.

۷. شعر زنان باید در ضمن حضور جنسیت و دغدغه‌های شخصی در آن، از حضور قدرت و انسانیت به علاوه قالب‌های نو برخوردار باشد. شعر زنان باید معرف جایگاه زنان در اجتماع هم باشد؛ با این همه آنچه مسلم است امروز چه زنان و چه مردان هر دو دارند کار خود را در شعر انجام می‌دهند و این گونه خط کشی‌ها خیلی هم به ادبیات کمکی نخواهد کرد.

*شاعر

اسماعیل امینی، شاعر: **من از همکاری با اداره کتاب به عنوان سرگروه شعر، منصرف شدم اما استعفا نکردم چون سرگروه شعر پست اداری نیست، نه حکم دارد و نه حقوق. اصلا خیالتان راحت باشد من هرگز در هیچ نهاد دولتی و غیردولتی هیچ پستی نداشته‌ام و از هیچ‌جا حقوق نگرفته‌ام، پس هیچ‌وقت هم استعفا نکرده‌ام.**

دورهمی‌های شعر و داستان در فرهنگ‌سرای حجاب

۱. این روزها فضای ادبی مشهد رونق خوبی پیدا کرده است؛ از برگزاری نشست‌های نقد داستان و رونمایی از کتاب تا حضور نویسندگانی از سراسر کشور مصداق‌هایی از این ادعا هستند. برنامه‌های ادبی را حتی می‌توان در اماکنی که در این زمینه شناخته نمی‌شوند رصد کرد؛ چنان‌که فرهنگ‌سرای حجاب هم نشست‌هایی با عنوان «یک عصر، یک نویسنده» برگزار می‌کند. فردا ۲۳ دی‌ماه نشست یاد شده به نقد و بررسی مجموعه داستان «پسر من قاتل است»، نوشته نویسنده مشهدی، علی براتی گجوان، اختصاص دارد، کتابی درباره جنگ تحمیلی و حواشی آن. محمدریاحی و سیدعلیرضا مهرداد، فعالان ادبیات داستانی مشهد نیز در این برنامه به‌عنوان منتقد حضور خواهند یافت. برای شرکت در این نشست لازم است که روز یکشنبه ساعت ۱۶ به نشانی بولوار هدایت، انتهای هدایت ۳۹، بوستان حجاب، درِ ورودی کتابخانه شهیده مهری زارع مراجعه شود.

۲. بسیاری از شاعران علاوه بر سروده‌هایی با موضوع آزاد، رویکرد ویژه‌ای هم به مناسبت‌ها دارند. برپایی محافل ادبی به مناسبت‌های ملی و مذهبی از جمله نمونه‌های این رویکرد است. امروز شنبه که تقویم‌ها زادروز فرخنده حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار را ثبت کرده‌اند، یکی از این محفل‌های ادبی با نام «دردانه رسول (ص)» در فرهنگ‌سرای حجاب برگزار خواهد شد. این شب شعر به جز شعرخوانی، برنامه‌های جانبی مانند سخنرانی دکتر هادی منوری، شاعر باسابقه شهر و نکوداشت شاعران آیینی را نیز به همراه دارد. زمان برنامه ساعت ۱۷ تا ۱۹ و مکان آن هم فرهنگ‌سرای حجاب است.

جوشش خون تجربه در رگ‌های داستان

نویسندگان مشهدی از تأثیر تجربه زیسته در نوشتن می‌گویند

A FAREWELL TO ARMS

یکی از چاپ‌های رمان «وداع با اسلحه»

گزارش

مجید خاکپور| از ۴ سال حبس در جهنم سرد سیبری برای داستایفسکی رمانی در آمد به نام «خاطرات خانه اموات» که شد یکی از آثار ماندگار تاریخ ادبیات دنیا. رانندگی آمبولانس در جنگ جهانی اول و مجروح شدن و رفتن تا پای مرگ، حاصلش شد «وداع با اسلحه» که همینگوی می‌تواند با تکیه بر آن سرش را بین نویسندگان تمام ادوار بالا نگه دارد. رمان ضد جنگِ «در جبهه غرب خبری نیست» هم اگر به ۵۵ زبان دنیا ترجمه شده است و پس از گذشت ۸۰ سال از انتشار آن هنوز تجدید چاپ می‌شود، حاصل تجربه خون و زجر و ضجه‌ای است که اریش ماریا رمارک در کوله‌پشتی خود از جنگ به خانه آورد.

در بین نویسندگان ایرانی، احمد محمود «داستان یک شهر» را با نگاه به تجربه سال‌های تبعیدش به بندر لنگه نوشته و محمود دولت‌آبادی هم مایه «جای خالی سلوچ» را از فضایی که در آن زیسته بود، وام گرفته است. از نویسندگان نسل بعد، بعضی از کسانی که فضای جنگ را تجربه کرده‌اند، توانستند داستان‌ها و رمان‌های موفقی خلق کنند. نمونه‌اش «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان و «شطرنج با ماشین قیامت» حبیب احمدزاده.

نقطه اشتراک چند نمونه‌ای که ذکر شد و صدها نمونه دیگر که گفته نشد، تجربه زیسته نویسنده است. کاستی تجربه زیسته یکی از عواملی است که تقریبا تمام آن‌هایی که دستی بر آتش نوشتن دارند، آن را علت مهم ضعف ادبیات داستانی ایران می‌دانند. تجربه چیزی است که در خلق آثار شاخص ادبیات داستانی اهمیت دارد، اما تجربه زیسته تا چه اندازه مهم است و تأثیرگذار؟

خوب نوشتن به نوع نگاه نویسنده، به تجربه برمی‌گردد

زندان، شکنجه، جنگ و فقر را میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا تجربه کرده‌اند، اما از میان آن‌ها کمتر نویسنده‌ای توانسته است تصویری چنان زنده و تکان‌دهنده ارائه دهد که تاریخ انقضایی برای آن متصور نباشد. این نشان می‌دهد که داشتن تجربه به تنهایی نمی‌تواند عامل موفقیت یک اثر شود. نکته‌ای که علیرضا ایرانمهر، نویسنده مجموعه‌داستان «ابر صورتی»، نیز به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: مسلما تجربه زیسته تأثیر مشخصی دارد، اما نوع نگاه نویسنده به تجربه زیسته است که اهمیت بیشتری دارد. شاید این جمله آلبر کامو را شنیده باشید که می‌گوید: «آدمی که حتی فقط یک روز زندگی کرده باشد می‌تواند ۱۰۰ سال را راحت در زندان بگذراند، آن‌قدر یاد و خاطره خواهد داشت که حوصله‌اش سر نرود.» در واقع تجربه زیسته بیشتر به نوع نگاه نویسنده به آن تجربه برمی‌گردد. به زبان خیلی ساده‌تر مثلا نویسنده‌ای که در جنگ یا انقلاب یا حادثه تاریخی بزرگی حضور داشته است، لزوما نمی‌تواند درباره‌اش خوب بنویسد. چیزی که باعث می‌شود نویسنده‌ای بتواند خوب بنویسد، نوع نگاهش به هر واقعه‌ای است. اینکه از هر ماجرا چه دیده، چقدر شناخته و چقدر فهمیده است.

اما آیا تجربه کردن فقط به معنای لمس و دیدن فیزیکی و بی‌واسطه یک واقعه یا حضور در ماجرایی خاص است؟ نویسنده رمان «فریدون پسر فرانک» نگاهی متفاوت به این مقوله دارد و پای تجربه‌های ذهنی را به میان می‌کشد و می‌گوید: مسئله خیلی مهم این است که ما هیچ چیزی را نمی‌توانیم بنویسیم، جز آنچه تجربه کرده‌ایم و می‌شناسیم. این تجربه می‌تواند ذهنی باشد؛ مثلا خانم رولینگ اگر هری پاتر را می‌نویسد، به این دلیل نیست که خودش مدرسه جادوگری را تجربه کرده است. اما مدرسه جادوگری هری پاتر قطعا به تجربه خانم رولینگ برمی‌گردد. حتی فانتزی‌ترین و تخیلی‌ترین چیزها دور از تجربه نویسنده نیست و قطعا از دل تجربه‌اش بیرون می‌آید. اما این فاکتور اصلی کیفیت و موفقیت اثر نیست. شرط مهمی است، اما کافی نیست.

محمودی ضمن نگاه آسیب‌شناسانه‌اش به ادبیات داستانی ایران، باوری را که علت ضعف ادبیات داستانی ما را ناشی از نبود تجربه زیسته می‌داند نمی‌پذیرد. به اعتقاد او فن و نگاه و تخیل نویسنده مهم‌تر از تجربه است. ایرانمهر در مورد تأثیر تجربه زیسته در نوشته‌های خودش می‌گوید: داستانی که شاید از من بیشتر خوانده شده باشد، ابر صورتی است، داستانی که از زبان یک مرده روایت می‌شود. من که تا به حال نمرده‌ام، بنابراین در واقع تصویری از مرگ دارم که توانسته‌ام بنویسم و این برمی‌گردد به توانایی و تجربه ذهنی نویسنده. پس من هر آنچه نوشته‌ام تجربه خودم بوده و خارج از آن نبوده است. هر کسی بگوید خارج از تجربه‌ام می‌توانم بنویسم، واقعی نیست. هر تجربه از صافی خیال می‌آید و به روی کاغذ می‌نشیند.

جهان تجربه‌نشده باورپذیر نیست

تجربه کردن برای مهدی کفاش، نامزد جایزه ادبی جلال آل‌احمد، امری حیاتی در نوشتن است. او در این‌باره می‌گوید: نویسنده وقتی می‌نویسد، همه تلاشش این است که جهانی بیافریند که خواننده کارش را باور کند و مهم‌تر این است که خودش باور کند. برای این لاجرم چاره‌ای ندارد، جز اینکه تجربه‌ای پشت سر بگذارد تا به جزئیات وقوف پیدا کند. این جزئیات است که باعث می‌شود خواننده داستان را باور کند. نویسنده باید مشاغل مختلف، جغرافیا و مکان داستان، جزئیات صحنه و جز این‌ها را از نزدیک تجربه کرده باشد تا بتواند پیام‌رسان خوبی باشد از جهانی که آفریده‌است.

ممکن است نویسنده‌ای بخواهد در مورد واقعه‌ای مهم و تاریخی بنویسد که سال‌ها از رویداد آن گذشته‌است، یا فضای داستان در مکانی بگذرد که تجربه حضور در آن جغرافیا برای نویسنده امکان‌پذیر نباشد. این موضوع همیشه محدودیت‌هایی برای نویسنده ایجاد می‌کند. راهکار این نویسنده چنین است: نویسنده ۳ ابزار مشاهده، تجربه و تخیل را در اختیار دارد و در نوشتن از هر ۳ این‌ها استفاده می‌کند. مثلا من اگر در مورد جنگ می‌نویسم، درست است که جنگ سال‌هاست تمام شده‌است، اما خوزستان هنوز هست، پس تا می‌توانم باید به موضوع نزدیک شوم. اگر دارم در مورد حسن صباح کار می‌کنم باید بروم آن قلعه‌های اسماعیلیه را ببینم. اگر الموت از بین رفته، قلعه دختر در بشرویه هنوز وجود دارد و می‌توانم آن را ببینم. حتی برای گونه‌ای که در ادبیات علمی و تخیلی هست هم باید نزدیک شد. ژول ورن وقتی سفر به ماه را می‌نویسد، امکانی که وجود دارد چیست؟ توپ. او می‌رود در مورد توپ تحقیق می‌کند و به همین دلیل در داستانش انسان به‌صورت گلوله توپ به سمت ماه پرتاب می‌شود. نویسنده رمان «وقت معلوم» در مورد تجربه خودش در نویسندگی می‌گوید: در تک‌تک کارهایم تجربه نقش مهمی دارد؛ مثلا برای وقت معلوم، مدتی را در خرمدره گذراندم. همچنین آمدم و محلات قدیمی مشهد را در اطراف حرم -قبل از اینکه کاملا تخریب بشود- دیدم و جاهای دیگر را. این بخش جغرافیاست. طبیعتا خیلی ابزارآلات هست که وقتی نویسنده دارد داستانش را می‌نویسد از آن‌ها فاصله زمانی گرفته‌است. وقتی می‌خواستم در رمانی از ماشینی استفاده کنم، حتی سراغ کارخانه‌اش هم رفتم. برای «قرار مهنا» که در مورد داعش است، نتوانستم بروم سوریه، اما رفتم عراق و با همان گروهی که آنجا می‌جنگیدند گفت‌وگو کردم. اگر این کارها انجام نشود، یک فضای انتزاعی و ذهنی به‌وجود می‌آید که باورپذیر نیست.

زیست جان‌بخش نویسنده

مهناز رضایی، نویسنده و منتقد ادبی نیز معتقد است تجربه زیسته اولین اصل در نوشتن داستان خوب است. او می‌گوید: داستان قرار است شیوه‌های بهتر دیدن و بهتر اندیشیدن را پیش روی مخاطب بگذارد. نویسنده از زیست غنی و پربار خود خون زندگی را در رگ‌های داستانش جاری می‌کند. داستان باید حرفی برای شنیدن داشته باشد، این حرف نمی‌تواند از دل انبوهی فرمول و دسته‌بندی بیرون بیاید. در برخورداری از توشه تجربه زیسته هم غنای زندگی اهمیت دارد نه طول آن.

آثار بسیاری در ادبیات داستانی هستند که نویسنده در آن چیزی از دنیای درونی خود را روی کاغذ آورده است که در آثاری که با تکنیک جریان سیال ذهن یا تک‌گویی درونی خلق شده‌اند، بیشتر دیده می‌شود. چیزی که در این داستان‌ها پررنگ است مسئله درون‌گرایی است. نویسنده مجموعه داستان «پرواز سوئیس» به درون‌گرایی و برون‌گرایی نویسندگان اشاره می‌کند و می‌افزاید: شاید اگر صادق هدایت روان بسیار حساس و آزرده‌ای نداشت، «بوف کور» یا «سه‌قطره‌خون» خلق نمی‌شد. پس زیستن به چارچوب زندگی بیرونی و تجربه اجتماعی محدود نمی‌شود. زیستن در یک نویسنده درون‌گرا از نوع دیگر غنا برخوردار است. یونگ از درون‌گرایی و برون‌گرایی به عنوان ۲ نوع موهبت یاد می‌کند. در آثار آل‌احمد و درویشیان بُعد برون‌گرای زیستن خودنمایی می‌کند. هستند ذهن‌های خلاقه‌ای همچون مارسل پروست که از تجارب محدود، دنیاهای نوی خلق می‌کنند اما این یک امر فراگیر نیست.

به اعتقاد رضایی نباید از اهمیت آشنایی با نظریه‌های داستان غفلت کرد: در داستان‌نویسی دانستن شیوه‌ها و شناخت مکاتب و درک تئوری‌ها را ضرورت می‌دانم، زیرا به این وسیله از راه‌هایی کوتاه‌تر از تجربه فردی، در دستاورد تجربه اندیشه‌ورزان سهیم می‌شویم. اما اصل آن است که لحظات نوشتن را زندگی کنیم، با تمام وجود، با تمام حس سرشار از زندگی خود، زیرا تنها این امر است که از نظر من داستان را داستان می‌کند، والا مشق کردن از روی ۴ فرمول معنی هنر نمی‌دهد.

نویسندگان مرد فرصت‌های بیشتری برای تجربه کردن فضاهایی خاص از جمله جنگ، سفر و... دارند که شاید این فرصت برای زنان، به خصوص در ایران به دلیل ویژگی‌های فرهنگی کمتر پیش بیاید یا دسترسی به آن دشوارتر باشد. از رضایی در مورد تأثیر تجربه زیسته در نوشتن و نوشته‌های خودش می‌پرسیم که می‌گوید: محدودیتی که برای خود قائل هستم این است که به تجارب بی‌واسطه خود اعتماد کنم. بیشتر نوشته‌های من راوی زن دارد. اینکه زنان محدودیت‌هایی برای تجربه زیست اجتماعی دارند از نظر من نمی‌تواند مانع محسوب شود. به این فکر کنیم که هریک از ما در فضاهای شخصی و اجتماعی که از آن برخورداریم، با چشمی بیناتر و تفکری فعال و حسی قدرتمند حضور داشته باشیم. مطمئن هستم که آنچه انسان امروز از آن غافل مانده، اموری است که ساده انگاشته و سهل‌انگارانه از کنار آن رد شده است. فاجعه همان لیوان چایی است که روی میز می‌ماند و سرد می‌شود، در حالی که شما در حال گشت‌زنی در فضای مجازی حتی متوجه نشده‌اید که دستی مهربان برای شما چایی ریخته‌است.

نماشهر

علی عبدالهی | شهرآرا

کارگاه عکاسی مطبوعاتی

کارگاه «عکاسی مطبوعاتی» با حضور وحید سالمی، عکاس خبرنگار آژانس خبری آسوشیتدپرس، در روزنامه شهرآرا برگزار شد.

مهلت شرکت در سالانه تبادل چاپ‌دستی تمدید شد

۱. نمایشگاه نقاشی خط «شفق» در نگارخانه رادین افتتاح می‌شود. این نمایشگاه انفرادی که آثاری از میرشجاع شجاعی‌پور است، از روز جمعه ۲۱ دی، ساعت ۱۷ در نگارخانه رادین افتتاح می‌شود و تا پنجشنبه ۲۷ دی از ساعت ۱۷ تا ۲۱ در این نگارخانه، پذیرای بازدیدکنندگان است. گالری رادین در بولوار سجاد، حامدجنوبی ۱۲، پلاک ۱۰۸ واقع شده است.

۲. نمایش موزیکال «مبارک در دربار سلطان سلیمان» به کارگردانی اصغر لشکری، در سالن هلال احمر به روی صحنه رفته است و تا ۲۵ دی ادامه دارد. در خلاصه این نمایش ۸۰دقیقه‌ای سیاه‌بازی آمده است: «وزیر به‌اشتباه دو نفر را وارد قصر می‌کند که هیچ‌کدامشان از طبابت چیزی سرشان نمی‌شود.» سالن هلال‌احمر در خیابان امام‌خمینی، میدان ده دی، واقع شده است.

۳. مهلت دریافت آثار و شرکت در ششمین سالانه تبادل چاپ دستی (کارت‌پستال) تا پایان وقت اداری سه‌شنبه ۳۰ دی ۹۷ تمدید شد. علاقه‌مندان می‌توانند باتوجه به شرایط فراخوان در ششمین سالانه تبادل چاپ دستی (کارت‌پستال) با مراجعه به سایت www.lalehartgallery.ir آثار خود را به دبیرخانه سالانه (نگارخانه لاله تهران) تحویل دهند.

۴. فیلم «آنها» به کارگردانی احسان سلطانیان و «دنیا تنهایی کم ندارد» به کارگردانی افشین لیاقت، از تازه‌های سینمای هنر و تجربه هستند که هم‌زمان با تهران در پردیس سینمایی هویزه مشهد به روی پرده رفته‌اند. فیلم «دنیا تنهایی کم ندارد» شنبه ۲۲ دی و فیلم «آنها» روز جمعه ۲۸ دی در سینمای یادشده اکران خواهند شد.

سالن سوم، سالن سیمرغ

با وجود اخبار ضد و نقیض، دبیر شانزدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد از رایزنی برای اختصاص ۳ سالن سینما به این رویداد خبر داد

گزارش روز

شکیبا افخمی‌راد| بعد از اعلام نام فیلم‌های راه‌یافته به سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر و مشخص شدن زمان اکران فیلم‌ها در کاخ رسانه‌ها، این روزها بیشتر علاقه‌مندان به سینما در شهرستان‌ها در انتظار تعیین وضعیت دقیق برگزاری این رویداد در شهرهای خودشان هستند؛ رویدادی که بر اساس اعلام سید حسین سیدی، مدیر بخش استان‌های سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر، تنها در دو سالن سینمای هر شهر و با اکران ۱۱ تا ۱۴ فیلم از مجموع ۲۲ فیلم جشنواره برپا می‌شود.

همین خبر به خودی‌خود برای شهر مشهد که سالن‌های سینمایی مجهز بسیار و علاقه‌مندان مشتاقی دارد، مایوس‌کننده است، اما آنچه روز گذشته نگرانی‌ها را بیش از پیش کرد، گفت‌وگوی سیدضیا هاشمی، دبیر شورای‌عالی تهیه‌کنندگان، با خبرگزاری مهر و اشاره او به احتمال لغو اکران فیلم‌ها در شهرستان‌ها بود.

احتمال لغو برگزاری جشنواره فیلم فجر در استان‌ها

به گفته سیدضیا هاشمی، در جلسات این شورا با ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر، مشخص شده است که ستاد جشنواره فیلم فجر با بحران بی‌پولی مواجه است و امکان فراهم آوردن بودجه برای برگزاری جشنواره در استان‌ها را ندارد. او حمایت از جشنواره فیلم فجر را وظیفه استانداران می‌داند و معتقد است هر استان باید بودجه‌ای را برای نمایش فیلم‌های این دوره از جشنواره درنظر بگیرد تا در استان‌های کشور، جشنواره‌ای در شأن انقلاب برگزار شود. هاشمی همچنین در مصاحبه خود تاکید کرده است: اگر بودجه لازم برای نمایش فیلم‌ها در شهرستان‌ها درنظر گرفته نشود، تهیه‌کنندگان، آثار خود را در شهرستان‌ها نمایش نمی‌دهند. اما ساعاتی نگذشت که این موضوع توسط حسین سیدی تکذیب شد و او به مهر گفت: «مشکلی به لحاظ مالی نداریم و عزم جدی برای اکران همزمان فیلم‌ها در سایر استان‌ها وجود دارد»

درواقع این اولین بار نیست که تهیه‌کنندگان از لغو اکران فیلم‌های جشنواره در مراکز استان‌ها خبر می‌دهند. در طول سالیان برگزاری جشنواره فیلم فجر، تمایل نداشتن تهیه‌کنندگان به اکران فیلم‌هایشان در شهرستان‌ها محرز شده است. آن‌ها معتقدند اکران فیلم‌های راه‌یافته به جشنواره فیلم فجر در شهرستان‌ها به اکران عمومی فیلم‌ها در آینده ضربه می‌زند. به این ترتیب، ابراز نگرانی دبیر شورای‌عالی تهیه‌کنندگان از بحران بی‌پولی جشنواره را شاید بتوان ناشی از همین بی‌علاقگی تهیه‌کنندگان به نمایش فیلمهایشان در شهرستان‌ها دانست.

تصمیم قطعی برای اکران فیلم‌ها

صحبت‌های سیدضیا هاشمی و مشخص نبودن وضعیت اکران فیلم‌های جشنواره فجر در مراکز استان، باعث شد تا به اظهار نظر سیدی بسنده نکنیم و پیگیر برگزاری این رویداد از مسئولان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان شویم.

در روزهای گذشته جعفر مروارید، مدیرکل ارشاد خراسان رضوی، با حکمی محمدرضا محمدی، معاون امور هنری و سینمایی را به‌عنوان دبیر شانزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر مشهد منصوب کرد. که این موضوع خود می‌تواند دال بر میزبانی مشهد از این رویداد ملی باشد.

به گفته محمدرضا محمدی به شهرآرا، از آنجاکه سازمان سینمایی متولی برگزاری رویداد جشنواره فیلم فجر است و دیگر سازمان‌ها قدرتی برای تصمیم‌گیری ندارند، برپایی این رویداد در تمام استان‌ها قطعی شده است.

و آنچه این روزها درحال پیگیری‌اش هستند، افزایش سالن‌های سینماهای نمایش‌دهنده فیلم‌های جشنواره فجر از دو سالن به سه سالن در سه سینما و همچنین اکران تعداد بیشتری از فیلم‌های این دوره از جشنواره در مشهد است.

دبیر شانزدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد می‌گوید: تاکنون اکران فیلم‌های جشنواره در سینماهای هویزه و اطلس قطعی شده است. به‌منظور برخوردار شدن شهروندان در نقاط مختلف شهر از این رویداد سینمایی، بناست سینما سیمرغ در غرب مشهد که جمعیت زیادی از مردم در آن منطقه متمرکز است نیز وارد چرخه اکران شود.

محمدی همچنین به شهرآرا خبر برگزاری نشست خبری شانزدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد را در همین هفته داد که این موضوع می‌تواند حسن ختام مباحث مطرح شده باشد.

جدول فروش هفتگی

قانون مورفی، مارموز را پشت سر گذاشت

جدول فروش سینماهای مشهد در هفته‌ای که گذشت

عنوان فیلم	هویزه	اطلس	گلشن	آفریقا	قدس	جمع(ریال)
قانون مورفی	۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۷۵۰/۰۰۰	۴۲۰/۱۶۰/۰۰۰	۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۵۰۰/۰۰۰	۱/۷۵۴/۴۱۰/۰۰۰
مارموز	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۷۹/۶۲۰/۰۰۰	۲۰۵/۷۶۰/۰۰۰	۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸/۰۰۰/۰۰۰	۶۵۸/۳۸۰/۰۰۰
کلمبوس	۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳۴/۴۶۰/۰۰۰	۹۲/۲۴۰/۰۰۰	---	---	۵۳۶/۷۰۰/۰۰۰
بمب یک عاشقانه	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۳۵/۳۶۰/۰۰۰	۱۵۲/۳۶۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰/۰۰۰	---	۴۵۳/۷۲۰/۰۰۰
اتاق تاریک	۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۵/۲۸۰/۰۰۰	۱۰۴/۴۰۰/۰۰۰	---	---	۲۰۹/۶۸۰/۰۰۰
دزد و پری ۲	۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۷/۰۸۰/۰۰۰	۲۵/۵۶۰/۰۰۰	---	۱۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۲۵/۶۴۰/۰۰۰
پاستاریونی	۳۱/۰۰۰/۰۰۰	۷۴/۰۸۰/۰۰۰	---	---	۱۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۷/۰۸۰/۰۰۰
تخته‌گاز	۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۶/۶۶۰/۰۰۰	۲۳/۷۶۰/۰۰۰	---	---	۱۱۰/۴۲۰/۰۰۰
میلیونر میامی	۲۶/۰۰۰/۰۰۰	۲۸/۵۸۰/۰۰۰	۳۱/۴۰۰/۰۰۰	---	---	۸۵/۹۸۰/۰۰۰
درساژ	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۷/۶۸۰/۰۰۰	۴۰/۳۲۰/۰۰۰	---	---	۶۳/۰۰۰/۰۰۰
مغزهای کوچک زنگ‌زده	---	۴/۸۸۰/۰۰۰	---	---	---	۴/۸۸۰/۰۰۰
هزارپا	---	۳۸/۳۲۰/۰۰۰	---	---	---	۳۸/۳۲۰/۰۰۰
آستیگمات	۵/۰۰۰/۰۰۰	۲/۶۰۰/۰۰۰	۲۰/۳۶۰/۰۰۰	---	---	۲۷/۹۶۰/۰۰۰
پیشونی سفید ۲	---	۲۱/۲۴۰/۰۰۰	---	---	---	۲۱/۲۴۰/۰۰۰
سرو زیر آب	۷/۰۰۰/۰۰۰	---	---	---	---	۷/۰۰۰/۰۰۰
خانم یایا	---	۶/۳۶۰/۰۰۰	---	---	---	۶/۳۶۰/۰۰۰
هشتگ	۵/۰۰۰/۰۰۰	---	---	---	---	۵/۰۰۰/۰۰۰
درمسیرباران	۴/۰۰۰/۰۰۰	---	---	---	---	۴/۰۰۰/۰۰۰

صدرنشینی خروس

جدول فروش اینترنتی تئاترهای مشهد در هفته‌ای که گذشت

عنوان نمایش	کارگردان	محل اجرا	جمع(ریال)
خروس	رضا احمدی	تماشاخانه بهار	۱۱۶/۰۰۰/۰۰۰
اسفند تا اسفند بهار کجاست	امیرعلی کیفی	پردیس تئاتر مستقل	۵۵/۳۰۰/۰۰۰
ماضی استمراری	احسان هادی‌خانی	فرهنگسرای رسانه	۲۰/۰۰۰/۰۰۰
مبارک در دربار سلطان	اصغر لشکری	سالن هلال احمر	۴/۸۰۰/۰۰۰
آبگردی	عباس رثایی	پردیس تئاتر مستقل	۱/۵۰۰/۰۰۰
شب کوتاست	احسان فورجانی	تماشاخانه خورشید	۱/۲۰۰/۰۰۰

عکاسیِ با اخلاق

اظهارات وحید سالمی، عکاس خبرگزاری اسوشیتدپرس در روزنامه شهرآرا

زردکانلو| پنجشنبه‌ای که گذشت، حضور وحید سالمی، خبرنگار و عکاس رسمی خبرگزاری اسوشیتدپرس، در روزنامه شهرآرا فرصتی بود تا با او درباره مسائل روز عکاسی مطبوعات، وضعیت عکاسی در رسانه‌های ایران و مقایسه آن با رسانه‌های معتبر جهانی گپ بزنیم. سالمی که از سال ۷۸ با خبرگزاری ای‌پی همکاری می‌کند، سال‌هاست با برگزاری کارگاه‌های تخصصی آموزش عکاسی خبری، نقش بسزایی در روشنگری عکاسان در این ژانر مهم عکاسی دارد. سالمی در کارگاه یک‌روزه خود در روزنامه شهرآرا درباره تاریخچه عکاسی خبری سخن گفت و ضمن نمایش اولین عکس‌های خبری که در مطبوعات جهان منتشر شده است، به تحلیل و تفسیر مقوله عکاسی مطبوعات پرداخت و در تمام سرفصل‌های سخنانش بر «رعایت اخلاق» در عکاسی تاکید کرد. این عکاس خبرنگار، تفاوت بین عکاسی خبری و عکاسی مستند-اجتماعی را در سطح و عمق این دو سبک عکاسی دانست. به اعتقاد او، عکس خبری سطحی‌تر و ابتدایی‌تر از عکس مستند اجتماعی است اما عکس خبری نیز می‌تواند مستند باشد که این مهم جز با بینش و دانش عکاس، دیدن عکس خوب و زمان گذاشتن برای عکاسی از سوژه مدنظر میسر نمی‌شود. مشروح گفت‌وگوی ما با وحید سالمی را به‌زودی در همین صفحه خواهید خواند.

یک استعفای جنجالی

روز گذشته انتشار دو خبر در حوزه موسیقی در صفحات مجازی، توجه و تعجب مشهدی‌ها را به خود جلب کرد. اول تبلیغات اجرای موسیقی صحنه‌ای در مشهد و دوم استعفای رئیس انجمن موسیقی استان.

حامد طاهری با انتشار متن استعفای خود در صفحات مجازی، از برگزاری اجرای موسیقی یکی از خواننده‌های نام‌آشنای کشور در مشهد، درشرایطی که موسیقی‌دان‌های بومی با محدودیت و ممنوعیت مواجه هستند، انتقاد کرد. او در گفت‌وگو با شهرآرا، ضمن تایید استعفای خود گفت: ما شخصا از هر اجرای موسیقی در استان و شهر حمایت می‌کنیم اما در شرایطی که هنرمندان استان سال‌هاست امکان تبلیغات و اجرای موسیقی زنده را ندارند، این نابرابری برای من آزاردهنده بود، لذا برای حمایت از هنرمندان موسیقی استان استعفا دادم. طاهری دلیل دیگر استعفای خود را باخبر نبودن از کم‌وکیف این ماجرا دانست و گفت: این اولین‌باری است که انجمن موسیقی استان از برگزاری اجرای موسیقی در مشهد بی‌اطلاع بوده است. به گفته طاهری، او قبل از رسانه‌ای کردن استعفایش، با مسئولان ارشاد تماس گرفته اما پاسخی دریافت نکرده است، ازاین‌رو استعفای خود را رسانه‌ای کرده است.

راز ماندگاری عکس سوژه تکراری

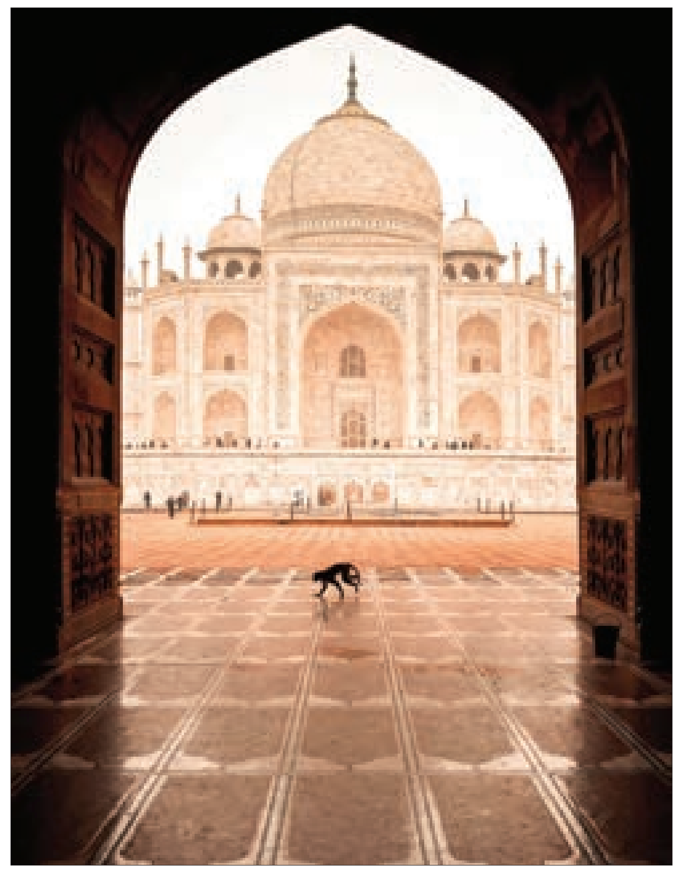

زندگی با عکاس

حمید سلطان‌آبادیان| یادم می‌آید سال‌های خیلی دور، یکی از آرزوهایم رفتن به کشور هند و تماشای بنای باشکوه و تاریخیِ تاج‌محل بود. آن زمان عکس‌هاییِ از این بنای زیبا دیده بودم و چیزی که مرا مشتاق تماشا و حضور در آنجا می‌کرد، داستان‌ها و ماجراهای چگونه ساخته شدنش و عطش کشفِ فضای رمزآلودی بود که در آن عکس‌ها وجود داشت. سال‌ها گذشت و زمان دیدار فرارسید و من با تاج‌محل، روبه‌رو شدم. بهتی که در لحظات آغازین بر من مستولی شده بود و همچنین شگفت‌زدگی‌ام در آن هنگام را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. رسیدن به آرزوی روزهای نوجوانی از یک طرف و عظمت و شکوه بنای مرمرینِ در مه فرورفته از طرف دیگر، من را میخکوب و هیجان‌زده کرده بود. من، مبهوت ایستاده بودم و در اطرافم آدم‌های زیادی مشغول ثبت عکس بودند. عده‌ای با موبایل و بعضی با دوربین‌های پیشرفته و دیگرانی هم بودند که دوربین‌های ساده‌تری داشتند. همه لنزها به‌سمت بنای تاج‌محل بود و من متحیر مانده بودم که چقدر عکس در همان لحظه از یک سوژه ثابت، درحال ثبت شدن است. در این شرایط، ثبت یک عکس خاص و ماندگار کار بسیار سختی است. چه چیزی می‌تواند به یک عکاس کمک کند تا عکسی تازه و متفاوت بگیرد؟

به نظرم راز ماندگاری به‌خصوص در عکس‌هایی که از اماکن و بناهای مشهور و تاریخی به ثبت می‌رسد، نگاه نو و متفاوت بودن آن است. در همین راستا می‌توان از تکنیک‌های عکاسی، حضور المان‌ها، آدم‌ها، اشیا و حتی حیوانات، انتخاب صحیح زاویه نگاه، ایده‌های خلاقانه یا کارگردانی صحنه بهره جست اما اولین و موثرترین قدم برای رسیدن به نتیجه مطلوب، خوب دیدن و جست‌وجوگر بودن است. از آنجایی که جوینده معمولا یابنده است و این موضوع درباره عکاسان مصداق بیشتری دارد، نتیجه مطلوب برای آنی که بیشتر جست‌وجو کند و خوب‌تر ببیند، حاصل می‌شود.

گاهی اوقات هم «شانس» به کمک می‌آید و اگر عکاس «سرعت عمل» و «آمادگی» داشته باشد، عکسی متفاوت و گاه تکرارناشدنی به ثبت می‌رسد. دختر روبرت دوآنو، عکاس مشهور فرانسوی که پانزده سال آخر زندگی، دستیار پدرش بود، می‌گوید: «پدرم ساعت‌های زیادی را با دوربینش قدم می‌زد و دوست نداشت هیچ‌کسی در این قدم زدن‌ها همراهی‌اش کند. فکر می‌کرد حوصله بقیه از کارهای او سر می‌رود. او ساعت‌ها روبه‌روی سوژه‌ای که دوست داشت، در جست‌وجوی اتفاقی ویژه منتظر می‌ماند.»

عکس‌های فراوانی از تاج‌محل به ثبت رسیده است که با یک جست‌وجوی ساده در وب می‌توان تعداد بی‌شماری از آن‌ها را دید. بسیاری از این عکس‌ها صرفا معرف مکان هستند و ارزش هنری چندانی ندارند اما نگاه‌های متفاوتی هم وجود دارد که تنها معرفِ مکان نیستند و به مضامین دیگری نیز پرداخته‌اند. اتفاق جالبی که در تاج‌محل برای من افتاد، حضور ناگهانی یک میمون در کادر عکسی بود که نتیجه‌اش بدون حضور این میمون فراری، یک عکس ساده و تکراری می‌شد. جالب اینجاست که در مدت دو ساعتی که در تاج‌محل حضور داشتم، میمونی را در این محیط مشاهده نکردم. قرار گرفتن میمون بازیگوش در یک نقطه خوب در تک‌عکسی که از این اتفاق گرفته‌ام، می‌تواند یک «شانس» برای من محسوب شود؛ البته این شانس مثل بیشتر گل‌هایی که در بازی فوتبال زده می‌شود، نتیجه جاگیری خوبِ فوروارد-در اینجا، عکاس- هم هست!

سیمون آیوازیان، معمار و عکاس ایرانی: **متأسفانه آپارتمان‌سازهای امروزه معمار نیستند یا اینکه کارفرما صرفاً سلیقه خود را به معمار، دیکته و معمار صرفاً اجرا می‌کند. در فضای امروز کسانی که با نگرش خلاق معماری می‌کنند، بسیار اندک هستند.**